

عنوان مقاله:

نگاهی تازه به داستان کی کاووس بر اساس نظریه ساخت شکنی

محل انتشار:

دوفصلنامه تاریخ ادبیات، دوره 2، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

جواد دهقانپان - دانشگاه هرمزگان

محمد خسروی شکیب - دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

شناخت وضعیت فرهنگی و اجتماعی امروز بدون درک درست از گذشته، بسیار مشکل و گاه غیر ممکن است. نیروهای اسطوره ای که ماهیت آنها نیاز به تحلیل و واکاوی دارد، ما را با بخشی از موانع فرهنگی و قدرت پنهان آنها آشنا می سازد. بررسی شاهنامه از این دیدگاه که چگونه نوآوری، تجدد و تغییر خواهی با سد محکم سنت مواجه شده و چه مجازات هایی را در پی داشته است، به درک درست تر چارچوب فکری جامعه ایران کمک می کند. به نظر می رسد یکی از عکس العمل های سنت در برابر نوحوهایی در فرهنگ ایرانی، وارونه نمایی و قلب واقعیت است. این ویژگی در داستان کاووس به خوبی قابل مشاهده است. کاووس در شاهنامه بیش از هر پادشاه ایرانی، شخصیتی منفی دارد. راز این تصویر منفی، به نحوه برخورد نوگرایانه وی با زندگی سنتی باز می گردد. آیا این احتمال وجود دارد که سنت و سنت گرایان تصویری وارونه از عملکرد کاووس ارائه کرده باشند؟ به تصور نگارندگان، در متن حماسه نشانه هایی از وارونه نمایی و قلب واقعیت درباره این اسطوره دیده می شود. سه عملکرد اصلی کی کاووس که باعث شده است نیروهای سنت گرای حماسه، او را به بی خردی منسوب کنند عبارتند از: ۱- جنگ مازندران، ۲- برون همسری (ازدواج با سودابه و مادر سیاوش)، ۳- پرواز به آسمان. در هر یک از این سه کنش، میل به خرد گرایی و تجدد از دل اسطوره و حماسه، یعنی متنی که تحت کنترل سنت بوده، قابل تشخیص است. باز خوانی و یا به تعبیری وارونه خوانی بخش هایی از شاهنامه _ که احتمال دگرگونی واقعیت در آن بیشتر است _ به خوانشی تازه از شاهنامه و فرهنگ ایرانی منجر خواهد شد. خوانشی که مخاطب را از قید و بندهای متن خارج می سازد و واقعیتی متفاوت پیش روی او می گذارد.

کلمات کلیدی:

برون همسری، پرواز به آسمان، جنگ مازندران، کی کاووس، موانع فرهنگی، نو اندیشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1289683>

